

## علم حسابداری، زبان علم و "مرزواژه‌ها"

"می‌توان زبان را همچون شهری قدیمی تصور کرد: مجموعه‌ای پریپیچ و خم، شکل یافته از گذر راه‌ها، میدانها خانه‌های قدیمی و نو، خانه‌هایی که بخشهایی از آنها در دوره‌های مختلف ساخته شده است، و این همه در محاصره‌ی شهرک‌هایی تازه‌ساز با خیابانهای مستقیم و خانه‌های هم‌شکل".<sup>۱</sup>

ویتگنشتاین

نظریه‌ها (نگره‌ها) و فرضیه‌ها می‌پردازد و کارورز در کارگاه عمل، دست‌آوردهای علمی را به اجرا می‌گذارد و تجربه می‌اندوزد. در این نوشتار به جای بحث درباره‌ی ویژگیهای تعریف‌کننده‌ی علم حسابداری که به لحاظ منطقی هر یک به‌طور جداگانه شرط لازم و درکنار هم شرط کافی برای تعریف آن هستند، به معیارهای علمی<sup>۲</sup> پرداخته می‌شود. استرلینگ، اندازه‌پذیری<sup>۳</sup> پدیدارها را به‌عنوان معیار علمی معرفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که اندازه‌های حسابداری از عینیت کمی برخوردارند<sup>۴</sup>، بعضی دیگر مانند ولک و همکاران نیز صراحتاً اعتراف می‌کنند که "هیچ معیار راستینی را برای تمیز بین یک علم و یک فن"<sup>۵</sup> به‌دست نمی‌دهند، اما نگارنده می‌کوشد تا از منظری متفاوت، معیارهای علمی مشترک در میان تمام حوزه‌های دانش را برکشد، زیرا به مدد بازشناسی این معیارها می‌توان دآوری کرد که آیا حوزه‌ای مانند حسابداری اساساً علم است یا نیست. بنابراین چنانچه به لحاظ معیارشناسی علمی، حوزه‌ی حسابداری تمام معیارها را احراز کند، آنگاه به‌عنوان یک علم شناخته می‌شود.

معیارهای علم

برای آن که بتوان حوزه‌ای مانند حسابداری را علم دانست ضرورت دارد دو گونه معیار حضور داشته باشد: الف) معیارهای درون‌علمی و ب) معیارهای برون‌علمی.

معیارهای درون‌علمی در ذات علم و ذهن عالم بسر می‌برند و شرط لازم برای علم‌شدگی یک حوزه هستند. این معیارها عبارتند از: (۱) موضوع مشخص و مستقل، (۲) روش‌شناسی و (۳) زبان خاص.

معیارهای برون‌علمی در ذات علم و ذهن عالم نیست. آنها تظاهرات و سر و صدای علم هستند. این معیارها عبارتند از: (۱) مجله‌های علمی - تخصصی، (۲) گروه‌های آموزشی، (۳) گروه‌های پژوهشی، (۴) گردهماییها و (۵) حرفه (حرفه‌گرایی).

تمام معیارهای برون‌علمی باید حضور داشته باشند تا بتوان

در این شماره، نگارنده به اصطلاح یا اصطلاحات خاصی نمی‌پردازد، چون به این باور رسیده است که طرح برخی مسائل نظری می‌تواند اهمیت گفتمان اصطلاح‌شناسی را برجسته نماید. بر همین اساس کوشیده است تا مطالبی را هر چند کوتاه زیر عنوان حسابداری به‌عنوان علم، معیارهای علم، معیارهای درون‌علمی، معیارهای برون‌علمی، تولد علم حسابداری، مفهوم‌کشی در نوشته‌های حسابداری، زبان علمی و مرزواژه‌ها، و برنامه‌ریزی زبان، عرضه کند.

حسابداری به‌عنوان علم

پیش و پس از آنکه حسابداری برای اولین بار در آمریکا به‌عنوان یک علم تاسیس شود، تنی چند از نظرورزان کوشیدند، حسابداری را به‌عنوان یک رشته‌ی علمی یا شبه‌علمی معرفی کنند. برخی مانند کلی، حسابداری را علم خواندند<sup>۱</sup>، بعضی دیگر همچون کالاتر آن را جزو رشته‌های فرهنگی<sup>۲</sup> (در آموزش مانند ادبیات، تاریخ، فلسفه و زبانها) دانستند<sup>۳</sup>، ولک و همکارانش آن را "رشته‌ای کاراندیش"<sup>۴</sup> نام‌گذاردند<sup>۵</sup> و استرلینگ کوشید تا نسبت حسابداری را با علم تبیین کند و حجت آورد که حسابداری با فن بیش از علم نسبت دارد.<sup>۶</sup>

با وجود این و به رغم انتظاری که احتمالاً عنوان مقاله در اذهان می‌نشانند در این نوشتار قرار نیست تا درباره‌ی چیستی علم و تفاوتها و همکاریهای علم و فن سخن رانده شود، زیرا این مباحث به مجال دیگری نیاز دارد و از حوصله‌ی این مقال بیرون است. در اینجا تنها به بیان این نکته بسنده می‌شود که گفت و شنید و مناظره درباره‌ی این سوال که آیا حسابداری علم است یا فن، اساساً چالشی بیهوده است، زیرا هر حوزه‌ی دانش می‌تواند واجد هر دو رخساره‌ی علم و فن باشد. شاهد مثال این که ویل دورانت در "تاریخ فلسفه" می‌نویسد: "هر علمی با فلسفه آغاز می‌شود و مانند فن پایان می‌پذیرد، با فرضیه‌ها بیرون می‌آید و با عمل جریان پیدا می‌کند."<sup>۷</sup> دانشمند در کارگاه اندیشه به آفرینش

خود یدک می‌کشند اما در خور اطلاق علم نیستند، زیرا هیچ کس نمی‌تواند آن را به محک تجربه و آزمون در آورد. حتی کسانی هم که هرازگاه مدعی می‌شوند بشقاب پرنده‌ها را دیده‌اند قادر نیستند علم خود را مستند کنند. در حالی که صدق یا کذب گزاره‌ها و فرضیه‌های حسابداری را همه می‌توانند با اندکی بردباری و آموزش به محک تجربه درکشند.

۳) زبان خاص<sup>۱۶</sup> (اصطلاحات یا اصطلاح‌شناسی خاص) - هر علم دارای زبان خاصی است و از مفاهیم و اصطلاحاتی سود می‌برد که ریشه در نظریه‌ها و دستگاه‌های مفهومی<sup>۱۷</sup> آن علم دارد. از این حیث، زبان هر علم، مانند حسابداری، با سایر زبانهای علمی متفاوت است. زبانهای علمی از جنس زبانهای خاص هستند.

زبانهای خاص از حیث درجه، و نه گونه، با زبانهای عام تفاوت دارند. واحدها، قواعد و محدودیت‌هایی که بخشی از دانش بیشتر سخنوران یک زبان، مثلاً فارسی، را شکل می‌دهد جزو زبان عام یا مشترک است. این واحدها که در زبان عام به کار می‌روند "بی‌نشان"<sup>۱۸</sup> هستند.<sup>۱۹</sup> در مقابل، زبانهای خاص در برگیرنده‌ی مجموعه‌ای از زیر‌علایم (که بخشی از آن با علائم زبان عام همپوشی دارد) است که به‌طور خاص با ویژگیهای معین نظیر موضوع رشته، نوع هم زبان، موقعیت، مقاصد گوینده، زمینه‌ی ارتباط، نوع ارتباط و نظایر آن مشخص می‌شود. بنابراین موقعیت‌هایی که در آن زبان خاص به کار می‌رود می‌تواند نشان‌دار باشد. زبان خاص شامل تمام واحدها، قواعد و محدودیت‌های نشان‌دار و بی‌نشان است.

ویژگیهای معین هر زبان خاص، مانند حسابداری، آن را از زبان عام و دیگر زبانهای خاص متمایز می‌کند. تمام این ویژگیها در گرو مفاهیم و اصطلاحاتی است که در نظریه‌گان و کاربرد آن علم وجود دارد. این مفاهیم و اصطلاحات تمایل دارند با هم رابطه‌ای یک به یک برقرار کنند و همین ویژگی است که زبان خاص (زبان علم) را از زبان عام جدا می‌کند.

زبان علمی، توگویی زبان حسابداری، در تمام معیارهای درون‌علمی و برون‌علمی ساری و جاری است و بدون آن امکان برقراری ارتباط بین نظرورزان و کارورزان ناممکن است. به عبارت دیگر در تمام معیارهای برون‌علمی از زبان علم به‌عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی و کانال انتقال اندیشه‌ها، عقاید و نیازهای اطلاعاتی و نظایر اینها بهره‌گرفته می‌شود.

#### معیارهای برون‌علمی

آن سان که در بالا گفته شد، معیارهای برون‌علمی هیاهو و نمودهای علم‌اند. این معیارها، که در برگیرنده‌ی مجله‌ها، گروههای آموزشی، گروههای پژوهشی، گردهمایی‌ها و حرفه است، در ساخت بیرونی علم قرار دارند و با یکدیگر همپوشند. مجله‌ها محلی برای بازتاب تازه‌ترین عقاید، یافته‌های پژوهشی،

مدعی شده که علمی تاسیس یافته است. چنانچه یکی از این معیارها برقرار نباشد، آنگاه آن علم مراحل پیش از تاسیس را می‌گذراند و اگر بعضی از آنها به حد تکامل نرسیده باشند آن علم دوران گذار را سپری می‌کند یا در مراتب پایین علمیت بسر می‌برد.

#### معیارهای درون‌علمی

۱) موضوع خاص و مستقل. موضوع هر علم را پدیده یا پدیدارهایی تشکیل می‌دهد که دانشمندان آن علم می‌کوشند تا آنها را مطالعه و تبیین کنند. مطالعه‌ی علمی یعنی اثبات درستی یا نادرستی فرضیه‌ها یا گزاره‌های علمی به دور از هرگونه یک‌سونگری و پیش‌انگاری. افزون بر این، موضوع هر حوزه چارچوبی را ترسیم می‌کند که آن حوزه و زیرحوزه‌هایش را از دیگر حوزه‌ها متمایز می‌کند. حسابداری تا پیش از دهه‌ی ۱۹۶۰ به حوزه‌ی اقتصاد و علوم اداری و بیشتر از آن به حوزه‌ی ریاضیات تعلق داشت و بنابراین درخور اطلاق علم نبود.

از سوی دیگر، زیر حوزه‌های یک علم، خود، علمی جداگانه به شمار نمی‌آیند. برای مثال، با اینکه حسابداری بها واجد روش‌شناسی، زبان و تمام معیارهای برون‌علمی است، اما به دلیل تعلق حوزه‌ی حسابداری، مستقلاً علم خوانده نمی‌شود. حسابرسی نیز در وضعیتی همسان بسر می‌برد.

در علوم مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی که نامشان با پسوندواری "شناسی" یا "logy" درآمیخته است، موضوع علم را اساساً پایه‌ی ساخت واژه‌ی مربوط تشکیل می‌دهد. برای نمونه، موضوع علم روان‌شناسی، روان، موضوع علم جامعه‌شناسی، جامعه و موضوع علم معرفت‌شناسی، معرفت است. همچنین در علوم مانند اقتصاد، حسابداری، مهندسی، شیمی و پزشکی که فاقد پسوندواری شناسی (Logy) است، نامشان به‌عنوان موضوع علم به‌شمار می‌آید.

۲) روش‌شناسی. روش‌شناسی علم در برگیرنده‌ی کوششهایی است که برای تحلیل و نقادی هدفهای آن، مفاهیم اصلی آن، روشهای رسیدن به هدفها، اصول استدلال، روابط میان زیرحوزه‌ها و نظایر آن انجام می‌پذیرد.<sup>۱۲</sup> روش‌شناسی به تعبیر پوپری، باید برای همگان تجربه‌پذیر باشد.<sup>۱۳</sup> به دو گزاره‌ی زیر توجه کنید:

۱) اطلاعات حسابداری بر قیمت‌های سهام اثر می‌گذارد.

۲) حافظ، غزل فارسی را به اوج شکوه خود رساند.

گزاره‌ی اول گزاره‌ی علمی است چون صدق یا کذب آن را می‌توان با پژوهشهای اختباری<sup>۱۴</sup> یا اثباتی آزمود. اما گزاره‌ی دوم، علمی نیست، چون صدق و کذب آن را نمی‌توان اثبات کرد. اوج و شکوه تعیین‌ناپذیرند.

از سوی دیگر برخی علوم مانند "یوفولوژی"<sup>۱۵</sup> (یا بشقاب پرنده‌شناسی)، به رغم آن که پسوندواری لوژی (شناسی) را با

از این چشم‌انداز، تنها در یک دهه‌ی اخیر مشاهده می‌شود که این معیارها تماماً در ساخت بیرونی علم حسابداری در ایران یافته شده‌اند. این اتفاق خجسته مرهون تلاشهای سه جریان کاملاً متفاوت است، یک جریان دانشگاهی، یک جریان حرفه‌ای خصوصی، و یک جریان دولتی، است.

جریان دانشگاهی، توانسته است گروه آموزشی، گروه پژوهشی و مجله‌ی علمی برپا کند و در گردهمایی‌ها حضوری فعال و تاثیرگذار داشته باشد. در اثر تلاشهای تعدادی از فرهیختگان و استادان دانشگاه ابتدا در حدود ۱۵ سال پیش دوره‌های کارشناسی ارشد و سپس در حدود ۱۰ سال پیش دوره‌ی دکتری در ایران تاسیس شد و «فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی بررسیهای حسابداری» (حالا با عنوان بررسیهای حسابداری و حسابرسی) به خانواده‌ی گاهنامه‌های علمی - پژوهشی پیوست. جریان دوم، انجمن حسابداران خبره ایران (IICA) است که به رغم تمام شداید، کاستها و فشارهای سیاسی و اقتصادی توانست اولین مجله‌ی علمی - پژوهشی و حرفه‌ای را در حدود ۱۵ سال پیش برپا کند و آن را مداومت بخشد. افزون بر این IICA توانست با برگزاری گردهماییها (خاصه هم‌اندیشی‌های سراسری) و دوره‌ی آموزشی بین‌المللی CIMA به دو معیار دیگر برون علمی جامعه‌ی عمل پیوشاند. اما چیزی که بیش از هر چیز نقش IICA را برجسته می‌کند تشکیل اولین انجمن حرفه‌ای حسابداری است که به‌رغم تمام کاستها اکنون شمار اعضای آن به حدود ۲۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد.

و سرانجام جریان سوم که با اندکی تاخیر اما با شتابی وصف‌ناپذیر به این قافله پیوست یک جریان دولتی (سازمان حسابرسی) است که توانست علاوه بر چاپ فصلنامه‌ی «حسابرس» به یکی از حساس‌ترین نیازهای حرفه‌ی نوپای حسابداری، یعنی استاندارده‌گذاری، پاسخ گوید.

حال سوال اساسی این است که آیا علم حسابداری در ایران در مرتبه‌ای به سان دیگر کشورها بسر می‌برد؟ پاسخ این سوال با ملاک‌یابی<sup>۲۰</sup> مشخص می‌شود. مثلاً معیارهای علم حسابداری ایران را می‌توان با کشورهای انگلیسی‌زبان، خاصه آمریکا، یا حتی کشورهای آسیایی، مانند هند، مقایسه کرد. تفاوت و چند و چون مجله‌ها، گروههای آموزشی، گروههای پژوهشی، گردهمایی‌ها و اعضای حرفه خود می‌تواند گواه مرتبه‌ی علمی کشورمان باشد. برای مثال، در حال حاضر تعداد اعضای IICA (انجمن حسابداران خبره ایران) حدوداً ۲۰۰۰ نفر است که در مقایسه با ۴۰۰,۰۰۰ عضو AICPA رقم ناامیدکننده‌ی ۰/۰۰۵ را نشان می‌دهد. حتی اگر این رقم را از بابت ملاحظات جمعیت‌شناختی آمریکا تعدیل کنیم، حاصل هر چه باشد ظاهر امر نشان می‌دهد که اساساً به قیاس مع‌الفارق مبادرت کرده‌ایم و یقیناً ایران در مقایسه با آمریکا در مرتبه‌ی علمی پایینتری (به لحاظ معیار حرفه‌گرایی) بسر می‌برد.

دستاوردها، گردهماییها و اخبار حرفه‌هاست. گروههای آموزشی، آخرین دست‌آوردهای علمی و حرفه‌ای را به دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی آموزش می‌دهند و از این طریق همواره سطح دانش را به‌روز می‌رسانند. گروههای پژوهشی با تکامل نظریه‌های موجود و طرح و بررسی نظریه‌ها و فرضیه‌های جدید، آخرین یافته‌های علمی را در اختیار مجله‌ها، گروههای آموزشی، گردهمایی‌ها و حرفه قرار می‌دهند. گردهمایی‌ها عموماً محافل علمی، حرفه‌ای و آموزشی هستند که در آنجا موضوعات روز به چالش کشیده می‌شود و از ره‌آورد آن علم و عمل بالنده‌تر می‌شود، و سرانجام حرفه، چه گسسته و چه پیوسته، هویت اجتماعی یک حوزه است و با تکیه بر آموزش، پژوهش و تجربه به جامعه خدمت می‌کند.

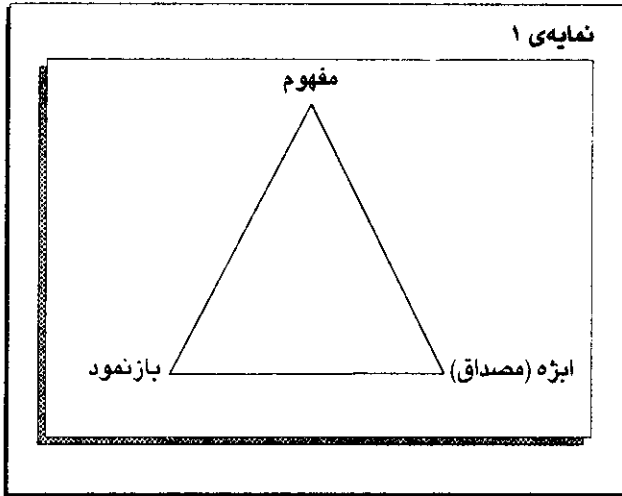
بعضی از این معیارها، مانند اشتغال و حرفه، ضرورتاً قبل از علم‌شدگی تجلی می‌یابند. شاید بر همین اساس بتوان حجت‌آورد که اساساً نیازهای عملی است که منجر به تاسیس علوم می‌شود. در ایران شاید بیش از ۸ دهه است که انواع مشاغل حسابداری نوین دایر شده است اما حوزه‌ی حسابداری با هفت دهه تاخیر توانسته است تمام معیارهای درون علمی و برون علمی را احراز کند.

از سوی دیگر برپایی گروههای آموزشی چنانچه توأم با تاسیس گروههای پژوهشی نباشد یا چنانچه در مقاطع پایین باشد آنگاه نشانه‌ی عبور از دوره‌ی پیش‌علم به دوره‌ی گذار علم‌شدگی است.

نگارنده در این بخش بنا ندارد تا هر یک از معیارهای برون علمی را جداگانه شرح دهد زیرا اولاً مجالی برای این کار نیست و ثانیاً به نظر می‌رسد معرف خوانندگان باشد. با وجود این همانگونه که گفته شد، باید همه‌ی معیارهای برون علمی حضور داشته باشند تا بتوان گفت که یک علم در یک کشور تاسیس شده است. به بیان دیگر، از منظر معیارشناسی علم هر پنج معیار باید حضور داشته باشند تا شاهدی بی‌طرف بتواند به دآوری نشیند که آیا علمی، مانند حسابداری، برپا شده است یا نه.

#### تولد علم حسابداری

ما نمی‌توانیم با حکمی بی‌گمان بگویم که حسابداری در چه زمانی به دنیای علم پا گذارد، اما شواهد و قوانین نشان می‌دهد که برای اولین بار در حدود چهار دهه‌ی پیش (دهه‌ی ۱۹۶۰) تمام معیارهای برون علمی به‌طور یکجا در حوزه‌ی حسابداری آمریکا فراهم آمدند تا حسابداری جامعه‌ی علم به تن بیپوشد. دیگر کشورهای انگلیسی زبان نیز با نیم و شاید یک دهه تاخیر به پیشواز این تازه وارد شتافتند. خوشبختانه در ایران علم حسابداری، برخلاف اکثر علوم، با حدود سه دهه تاخیر تاسیس شد و این را باید از معجزات قرن بیستم دانست.



جستار بالا روشن می‌سازد که در اثر تلاشهای جریانهای سه‌گانه، حوزه‌ی حسابداران در ایران حائز تمام معیارهای علمی شده است. براین اساس می‌توان حسابداری را در ایران یک علم تلقی کرد که دارای هر سه معیار درون‌علمی و پنج معیار برون‌علمی است.

از میان این معیارها زبان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است زیرا ناظر بر تمام معیارهای برون‌علمی است، اما متناسب با سایر معیارها رشد و تکامل نیافته است. شاید این کاستی از بی‌توجهی به اصطلاحات و در غایت بی‌مهری به مفاهیم سرزده باشد. تا جایی که امروزه با پدیده‌ی "مفهوم‌کشی" رو در رو هستیم.

چنانچه اصطلاحات براساس اصول علم اصطلاح‌شناسی تثبیت نشوند آنگاه الفاظ نمی‌توانند به درستی مفاهیم را بازنمایی کنند و در نتیجه مفاهیم بدرستی ابلاغ نمی‌شود و متن بی‌اثر و سترون می‌نماید. البته برای کسانی که با زبان منبع آشنایی دارند مفاهیم ابلاغ‌پذیرند و متن نیز فهم‌پذیر. مشکل را کسانی دارند که می‌خواهند علم حسابداری را به زبان فارسی بیاموزند که در این هنگامه‌ی "مفهوم‌کشی" به سختی می‌توانند نصّ نوشته‌ها را دریابند.

#### زبان علمی و "مرزواژه‌ها"

مباحث پیشین ما را به این نتیجه راهبر شد که زبان علم جزو معیارهای درون‌علمی و حاکم بر تمام معیارهای برون‌علمی است. افزون بر این پی بردیم که زبان علم از جنس زبانهای خاص است و از اصطلاحات بهره می‌گیرد.

حال سوال این است که اصطلاحات چگونه ساخته می‌شود؟ اصطلاحات، محصول مثلث اصطلاح‌شناسی است (به نمایه ۱ نگاه کنید). در این مثلث، ابژه<sup>۲۱</sup> (مصدق اعم از عینی یا انتزاعی) به یک تصویر ذهنی ساخت می‌بخشد که به آن مفهوم<sup>۲۲</sup> (و در منطق، تصور) می‌گویند. این مفهوم یا تصویر ذهنی به بازنمود<sup>۲۳</sup> نیاز دارد که اگر زبانی باشد به آن لفظ می‌گویند. این بازنمود یا لفظ وقتی که به دانش یا فنی خاص مربوط می‌شود به آن اصطلاح می‌گویند. همانطور که از نمایه‌ی ۱ پیداست مفهوم در راس مثلث اصطلاح‌شناسی قرار دارد و عالم می‌کوشد تا آن را با الفاظ نام‌گذاری کند.

حال سوال این است که چه وقت می‌توان یک لفظ را اصطلاح خواند؟ پی‌یرلرت بنابر آموزه‌های پدر اصطلاح‌شناسی، اوجین وستر اتریشی (۱۸۹۸-۱۹۷۸)، می‌نویسد یک لفظ در صورتی اصطلاح است که:

(۱) با یک نشانه بیان شود،

(۲) از یک قرارداد یا میثاق نشأت گیرد،

(۳) مضمونش مهمترین ویژگی‌اش باشد،

(۴) مفهومی را که باز می‌نماید صریح تعریف شود، و  
 (۵) مفهوم در حوزه‌ی دانشی که به آن تعلق دارد تبیین شود.<sup>۲۴</sup>  
 آن گونه که از سخن پی‌یرلرت برمی‌آید. اصطلاحات، واحدهای زبانی‌ای هستند که صورت و معنی دارند و به نظام زبان‌شناسی یک زبان خاص تعلق دارند.<sup>۲۵</sup>

به نظر نگارنده در میان شرایط و نیز عناصر تعریف لرت دو چیز بیش از بقیه حایز اهمیت است. اول، میثاق و دوم، حوزه‌ی دانش، به‌عنوان مثال، در ایران هیچ انجمن یا استانده‌گذاری واژه‌ی استهلاک انباشته را تثبیت نکرده است اما امروزه براساس یک میثاق غیررسمی همه بر آن اتفاق دارند. و به‌عنوان مثال دیگر، مفهوم هزینه در حسابداری با اقتصاد و دیگر حوزه‌ها متفاوت است و مفهوم استهلاک در حسابداری با مفهوم آن در رشته‌های گوناگون مهندسی و زبان عام فرق دارد. در واقع مفاهیم هزینه و استهلاک، آن‌گونه که ما در حسابداری سراغ داریم، فقط به جغرافیای حسابداری تعلق دارد.

ترسا کاربرد، اصطلاح‌شناسی را نام‌گذاری مفاهیم نیز خوانده است. براین اساس همان‌گونه که نامها یگانه هستند اصطلاحات نیز گرایش دارند یگانه باشند. به بیان دیگر، زبان علم می‌کوشد تا با قراردادهای رسمی و غیررسمی یک رابطه‌ی یک به یک بین مفاهیم و اصطلاحات برقرار کند و از این رو اصطلاحات شناسنامه‌ی مفاهیم به حساب می‌آیند. این بدین معنی است که در حوزه‌ی زبان علمی باید از هم‌نامها<sup>۲۶</sup> و مترادفها<sup>۲۷</sup> پرهیز کرد.<sup>۲۸</sup> در واقع، اصطلاحات از آن رو یگانه هستند که می‌کوشند

حریم و مرز مفاهیم را از هم جدا کنند. اساساً واژه‌ی term (اصطلاح) از terminus لاتین به معنای حد و مرز ریشه گرفته است. در گذشته نیز دانشمندان مسلمان کتابهایی را با عنوان کتاب الحدود می‌نگاشتند و در آنها حد و مرز مفاهیم را مشخص می‌کردند، از این رو شاید بهتر باشد بنا به توصیه‌ی رضا عطاریان، دنداندان پزشکی و اصطلاح‌شناس، به term، مرزواژه و به terminology، مرزواژه‌شناسی گفته شود.

است. نگارنده بر این باورست که اگر سه جریان پیشگفته که بانی علم حسابداری در ایران هستند دست در دست هم گذارند بی‌تردید می‌توانند با تشکیل یک کمیته‌ی اصطلاح‌شناسی برای زبان حسابداری برنامه‌ریزی کنند و اسباب تکامل این معیار علمی را فراهم آورند. ضرورت در این است که هر چه زودتر این کمیته با حضور نمایندگان از هر سه جریان و زبان‌شناسان، حقوق‌دانان و افراد دیگر تشکیل شود.

پی‌نوشت

- 1- Kelley, Arthur, "Definitive Income Determinations: The Measurement of Corporate Income on an Objectives Scientific Basis", *The Accounting Review* (April 1948), PP. 148- 153.
- 2- Liberal arts
- 3- Cullather, James, "Accounting: Kin to the Hummanities", *The Accounting Review* (October 1959), pp. 525- 527.
- 4- Practical art
- 5- Wolk. Harry I, Michael G. Tearney & James L. DOdd, "Accounting Theory; A Conceptual and Institutional Approach", 5th Ed., South- Western College Publishing: Thomson Learning (2001), P. 38.
- 6- Sterling, Robert R., "Toward a Science of Accounting", *Financial Analysts Journal* (September- October 1975), pp. 28- 36 & "Toward a Science of Accounting", *Scholars Book Company* (1979).
- ۷- ویل دورانت، "تاریخ فلسفه"، ترجمه‌ی عباس زریاب، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۷۸)، ص. ۲.
- 8- scientific criteria
- 9- measurability
- 10- Sterling (1979), Op. Cit.
- 11- Wolk et al. (2001), Op. Cit., p. 38.
- ۱۲- "فرهنگ اندیشه‌ی نو"، چاپ اول، انتشارات مازیار (۱۳۶۹)، ص. ۴۳۹.
- ۱۳- پوپر، کارل ریموند، "منطق اکتشاف علمی"، ترجمه‌ی احمد آرام، چاپ اول، سروش (۱۳۷۰)، ص. ۴۴.
- 14- empirical research
- 15- uology
- 16- special language
- 17- conceptual systems
- 18- unmarked
- 19- Cabre M. Teresa, "Terminology, Theory, Methods and Applications", Edited by Juan C. Sager, Translated to English by Janet Ann Decesaris, John Benjamins Publishing Company (1999), p. 59.
- 20- benchmarking
- 21- object
- 22- concept
- 23- representation
- 24- Lerat, Pierre, "Les fondements theoriques de La terminologie", *La Banque des most* (1989) special issue p 62.
- 25- Cabre, Op.Cit., p.81
- 26- synonyms
- 27- polysemous
- 28- Cabre, Op. Cit., p.60.
- ۲۹- پوریان‌سب، امیر، "بلیشو در فرهنگ واژگان حسابداری"، حسابدار شماره ۱۳۸.

مادامی که علوم، از جمله حسابداری، به کتاب الحدود یا مرزواژه‌ها مجهز نشوند، از حیث زبان علمی به تکامل نخواهند رسید و پدیده‌ی "مفهوم‌کشی" به سان غولی افسانه‌ای مانع از دستیابی به هر نوع گوهر ناب معرفت خواهد شد. در این باره مولای رومی چه نغز گفته است:

ور سخن‌کش یابم آن دم‌زن بمزد

مسی‌گریزد نکته‌ها از دل چو دزد

جنبش هر کس به سوی جاذب است

جذب صادق نه چو جذب کاذب است

برنامه‌ریزی زبان

متأسفانه همانگونه که گفته شد زبان حسابداری هنوز در خور سایر معیارهای علمی، بویژه معیارهای برون‌علمی، نیست. شاید بتوان کار فرهنگستان اول را تنها کار علمی اصطلاح‌شناسی در حوزه‌ی حسابداری دانست. البته مولفان و نویسندگانی چون مرحوم حسن سجادی‌نژاد، مرحوم اسمعیل عرفانی و عزیز نبوی و نویسندگان مرکز مطالعات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، کوششها و جوششهایی را در عرصه‌ی اصطلاحات حسابداری انجام داده‌اند که اگرچه این تلاشها قابل تحسین است اما متأسفانه امروز ما هنوز فاقد یک اصطلاح‌نامه‌ی علمی جامع هستیم.

فرهنگستان اول، با استنای بر فرایندهای ساخت واژه‌ی اشتقاقی توانست اصطلاحاتی ماندگار را تولید کند و برای ما به ارث گذارد.<sup>۲۹</sup> متأسفانه از آن پس تا به حال هیچ انجمن حرفه‌ای یا دانشگاهی، حتی فرهنگستانهای دوم و سوم به کار اصطلاح‌شناسی برای حوزه‌ی حسابداری نپرداخته‌اند.

ما حتی نتوانستیم از کوششهای فرهنگستان اول نیز به درستی پاسداری کنیم و بلاهایی بر سر تولیدات آنها آورده‌ایم که به نظر می‌رسد حل و فصل آنها در کوتاه‌مدت میسر نباشد. به‌عنوان مثال فرهنگستان اول، اصطلاحات "بدهکار" و "بستانکار" را به ترتیب برای debtor و creditor برابر نهاد. به عوض ما چه کردیم؟ هنگامی که به debit و credit برخوردیم به جای آن که بکوشیم برای آنها برابر بیابیم یا بسازیم، به تنگی قافیه گرفتار آمدیم و بدهکار و بستانکار را به آنها اختصاص داده‌ایم. حالا کار به جایی رسیده است که هم حوزه‌ی معنی بدهکار (به معنی مطالبه) حریم اطمینان خود را از دست داده است و هم مشکل می‌توانیم بدهکار را (به‌عنوان معنی مدخل) جمع ببندیم. چنانچه پس از دوران فرهنگستان اول برای زبان حسابداری برنامه‌ریزی کرده بودیم حالا به این مسائل گرفتار نمی‌آمدیم و متأسفانه همانطور که گفته شد این مسائل در کنار غفلت از اصطلاح‌شناسی ما را به "مفهوم‌کشی" در نوشته‌های حسابداری راهبر نمی‌شد.

اصطلاح‌شناسی به برنامه‌ریزی و خردجمعی نیاز دارد. کار فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز از جنبش برنامه‌ریزی زبان